

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم شهرستان بم (۱۳/۰۲/۱۳۸۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين

سيما بقيه الله في الأرضين

از خداوند متعال بسیار سپاسگزارم که یک بار دیگر این توفیق را به من ارزانی داشت که به شهر شما و در میان شما بیایم و جمع مردم باهمت و خوش روحیه‌ی بم را یک بار دیگر زیارت کنم.

آنچه در نگاه اول، این سفر را با سفرهای قبلی متفاوت می‌کند، این است که من بحمدالله - چه در شهر که مقداری حرکت کردیم و ساعتی به مناطق مختلف و محل‌های اسکان رفتیم؛ و چه الان که در این جمع شرکت کرده‌ایم - چهره‌ی شما مردم عزیز و چهره‌ی جوانان و چهره‌ی شهر را برخوردار از یک نشاط و حالت امید و اهتمام می‌بینم. در سفرهای قبلی چهره‌ی شهر بر اثر سنگینی حادثه و فاجعه‌ی که اتفاق افتاده بود، افسرده و ملول بود. این برای جنبه‌ی انسانی شهر بم چیز مهمی است؛ برای من هم که از اعماق دل به شما مردم و آحاد مؤمن و صمیمی این منطقه و این شهر علاقه و ارادت دارم، از این که چهره‌ها را گشاده مشاهده می‌کنم، مژده‌ی بزرگی است.

مطالباتی وجود دارد و این مطالبات غالباً هم بحق است؛ هم امام جمعه‌ی محترم اینها را بیان کردند - که از ایشان هم بخصوص باید به خاطر زحماتشان تشکر کنیم - هم از مسؤولان محترم شهر و استان مواردی شنیده‌ام؛ هم در گزارش‌های مردمی که پیش از سفر برای ما تهیه می‌شود، به دست آورده‌ام.

اما آنچه برای بنده به عنوان یک مسأله‌ی مهم مطرح است، این است که در مقابل حوادث و بلایای طبیعی دوگونه می‌توان موضعگیری و حرکت کرد: یک نوع عبارت است از تسلیم حادثه شدن و خود را به پیامدهای آن سپردن و در مسیر حوادث

رها کردن؛ این منفی است. حادثه در این صورت سودی برای جامعه‌ی حادثه دیده و مصیبت‌دیده نخواهد داشت و زیان‌های آن هم برای مردم باقی خواهد ماند. اما نوع دیگر عبارت است از برخورد فعال و مثبت؛ یعنی مصیبت را با همه‌ی عظمت و سنگینی‌اش پشت سر گذاشتن و به سمت جلو و اصلاح کارها حرکت کردن. این نوع موضعگیری، صحیح و مثمر ثمر است. مصیبت در هر صورت واقع شده است؛ ما باید از مصیبت درس بگیریم و با پندگیری و عبرت‌گیری از بلایای گذشته، آینده‌ی خود را آن‌چنان بسازیم که هم از حوادث آینده جلوگیری کنیم؛ هم مشکلاتی که بر اثر حادثه پیش آمده، تا آن جایی که ممکن است، جبران کنیم؛ و هم دستاوردهای جدیدی به دست بیاوریم. این، نگاه مثبت و اسلامی است.

من می‌بینم که مردم عزیزم و بروات با همت و تکیه‌ی به ایمان و نجابتی که در آنها وجود دارد، راه دوم را پیش گرفته اند. آنچه تاکنون انجام شده است، به‌هیچ‌وجه کافی نیست. من از زحماتی که مسؤولان دولتی و بخش‌های مختلف کشیده اند، تقدیر و تشکر می‌کنم؛ حقیقتاً زحمات آنها درخور تقدیر است. با وجود این که من از زحمات ستاد بازسازی شهرم و روستاهایم متشکر هستم و کارشان را تقدیر می‌کنم، اما آنچه من از لحاظ ساخت و ساز، از لحاظ وضع شه‌ری، از لحاظ مسکن و از لحاظ مراکز کسب و کار می‌بینم، برایم خشنودکننده و راضی‌کننده نیست. بعضی از دستگاه‌های دولتی یا نهادهای انقلابی حقاً و انصافاً خیلی خوب کار کردند. من نه از کسانی که خیلی خوب کار کرده‌اند، و نه از کسانی که اشکالاتی در کارشان بوده، نام نخواهم آورد - البته به خود آنها خواهم گفت - بعضی خوب کار کردند، تحسین‌برانگیز حرکت کردند؛ بعضی هم کم‌کاری کردند؛ اما آنچه در مجموع مشاهده می‌شود، عبارت است از یک نگاه کلی و برنامه‌ریزی محاسبه شده و اندازه‌گیری شده و قابل پیش‌بینی.

البته بنده دوست می‌داشتم که اگر مسؤولی به‌م آمده و وعده کرده که هفته‌یی یک مدرسه درست کند، توانسته باشد آن وعده را جامه‌ی عمل بپوشاند - که متأسفانه نپوشانده - یا اگر کسانی آمده‌اند برای بازسازی زمان معین کرده‌اند و گفته اند شهرم را تا فلان مدت می‌سازیم، توانسته باشند به این زمان‌بندی عمل کنند؛ که مشاهده می‌شود کسانی که چنین وعده‌هایی دادند، خودشان هم الان اعتراف دارند که این وعده دادن‌ها درست نبوده است؛ اینها اعتراضات و مطالبات ماست.

ولی از مجموع مصایبی که می‌بینم و گزارش می‌گیرم و از طرق مختلف مطلع می‌شوم، آنچه استنتاج می‌کنم، این است که برنامه‌ریزی برای بم، برنامه‌ریزی درستی است. این برنامه‌ریزی باید از سوی مسئولان دولتی، از سوی بانک ها و از سوی دستگاه‌هایی که در بازسازی، مسیرها و ایستگاه‌های گوناگونی به آنها مربوط است، مورد پشتیبانی قرار بگیرد.

به من گفته شد که بازسازی روستاهای اطراف بم تا پایان سال 84 تمام خواهد شد؛ و گفته شد که امیدوارند بازسازی شهر بم تا آخر سال 85 به پایان برسد. من این را به عنوان یک وعده‌ی قطعی تلقی نمی‌کنم و به شما هم این را عرض نمی‌کنم؛ اما اگر بتوانند به این وعده جامه‌ی عمل بپوشانند، باید بگوییم کار بسیار بزرگ و برجسته‌ی انجام داده‌اند؛ و من دعا می‌کنم که بتوانند.

بازسازی - که یک مسأله‌ی مهم شهر بم است - همه‌ی مسائل شهر بم نیست. موضوعاتی که آقای امام جمعه‌ی محترم و پُرنشاط و فهیم بیان کردند، همه‌ی اینها جزو مسائل است. امنیت جزو مسائل مهم این شهر است، که ربطی به بازسازی ندارد. مسأله‌ی کسبه و پیشه‌وران، یکی از مسائل است. رسیدگی به فرهنگیان و دانش‌آموزان - که دیروز یکی از فرهنگیان محترم بم در مجتمع فرهنگیان کرمان آن را بیان می‌کرد - یکی از مسائل مهم این منطقه است. کارسازی و کارآفرینی برای جوانان - که این جزو مسائل قبلی بم هم بوده است و در حال حاضر با رویداد زلزله افزایش پیدا کرده - یکی از مسائل مربوط به بم است. نشاط و روحیه‌ی جوان با کار کردن است؛ جوان باید بتواند کار کند. جوانی که کار می‌کند، هم درون خود او و روحیه‌ی او شادمان و شاداب است؛ هم مثل یک نخل بارآور، از میوه‌ی شیرین کار او دیگران استفاده می‌کنند؛ یعنی هم خودش شاداب است، هم دیگران بهره می‌برند. جوان وقتی نتواند اشتغال لازم را به‌دست بیاورد، هم شادابی خود او کم خواهد شد و یا خدای نکرده از بین خواهد رفت، و هم از ثمرات وجود او کس دیگری استفاده نمی‌کند.

البته مسأله‌ی ایجاد کار، مخصوص این جا نیست؛ یکی از مسائل مهم ما در سطح کشور است. در دو سه سال اخیر تلاش‌های زیادی شده و فعالیت‌های فشرده و متراکمی برای این کار صورت گرفته است و باید هم ادامه پیدا کند. در دولت آینده، هر

کس سر کار بیاید و قوهی مجریه به دست هر دولت و رئیس دولتی بیفتد، یکی از اساسی ترین اهتمام های او باید ایجاد اشتغال باشد.

شما مردم بم علاوه بر انتخاب رئیس جمهور، احتمالاً انتخاب نماینده هم خواهید داشت. نگاه کنید و کسی را که پاسخگوی این انتظارات است، پیدا کنید. مدتی ما را به مسائل سیاسی و جناحی و خطی و حرفهای پوچ و بی محتوا - که در زندگی واقعی مردم هیچ نقشی ندارد - سرگرم کردند. آنچه کشور ما احتیاج دارد، کار و تولید و توسعهی مادی و معنوی، همراه با عدالت و بدون تبعیض و فساد و افزون خواهی های غیرقانونی - و به قول آقایان، رانت خواری - است. مهمترین همت قوهی مجریه و قوهی مقننه و قوهی قضاییه باید این باشد که بتوانند در مقابل این بیماری های صعبالعلاج بایستند. این بیماری ها از بلای زلزله هم برای کشور خطرناک تر است؛ چون همه گیر است.

یکی از مسائلی که خوب است در بم آن را عنوان کنم، این است: عزیزان من! مردم عزیز بم! شما البته مصیبت دیدید. زلزله حقیقتاً فاجعه بار بود. بازماندگانی که در مقابل چشم خود، عزیزانشان، فرزندانسان، نوه هایشان، همسرشان و والدینشان را دیدند که در زیر خاک های زلزله دفن می شوند، به چه زبانی می شود تسلا داد؟ در سفرهای گذشته به بم، من بسیاری از این افراد را از نزدیک دیدم. این داغ ها در دل انسان می ماند - در این شکی نیست - اما همین فاجعهی مصیبت باری که این طور شما را سوزاند و داغ بر دل هایی گذاشت، برای کل کشور، برای ایران عزیز و برای مسؤولان درس هایی داشت که اگر به آن درس ها عمل کنیم، این مصیبت بزرگ به میزان زیادی جبران خواهد شد.

یکی از این درس ها مقاوم سازی است. این که من بعد از سفر قبلی به بم، به مسؤولان گفتم که نگذارید مسأله ی بم کهنه شود، آن را تازه نگه دارید، یک علتش این است که حادثه ی بم ممکن است در هر نقطه ی دیگری از این کشور اتفاق بیفتد . در خود این استان و در نقاط مختلف دیگر ممکن است این حادثه اتفاق بیفتد؛ دیدید که در زرنند هم اتفاق افتاد . استان کرمان - آن طور که به من گزارش داده اند - روی هشت گسل زلزله قرار دارد. در محل تلاقی این گسل ها امکان زلزله های

بسیار شدیدی می‌رود و هر کدام از اینها ممکن است خسارات بزرگی داشته باشد؛ باید اینها را پیش‌بینی کرد. **گفتم ستاد حوادث غیرمترقبه و بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی باید تشکیل شود؛ الان هم از هم - از کانون یکی از مهمترین بلاهای طبیعی در زمان خودمان - به مسؤولان خطاب می‌کنم و می‌گویم این کار را بیش از این عقب نیندازید. مسؤولان باید آماده به کار باشند. هم مسأله‌ی مقاوم‌سازی در همه جای کشور بسیار مهم است؛ هم آماده بودن برای مقابله‌ی با این حوادث، مهم است؛ چون دقایق اولیه‌ی وقوع حادثه، دقایق اکسیری و کیم‌بایی و ارزشمندی است. رسیدن به آن دقایق، ممکن است جان عده‌ی کثیری را نجات دهد. اینها آمادگی قبلی می‌خواهد. ما خیلی از اینها را می‌دانستیم، اما زلزله و مصیبت شما این درس‌ها را زنده کرد و بسیاری از مسؤولان کشور را به فکر واداشت.**

اگر از اینها درس بگیریم، پاداش آن مصیبت و آن حادثه‌ی غم‌انگیز را گرفته‌ایم. البته حادثه‌ی بم فقط برای بمی‌ها غم‌انگیز نبود؛ همه‌ی کشور را غرق در غم کرد؛ همه‌ی آحاد مردم در سرتاسر کشور با شما احساس همدردی کردند

- برای کسی که به بم می‌آید و می‌رود، آنچه مهم است، روح کرامت و تلاش در میان مردم بم است. هر چه می‌توانید، این روحیه را تقویت کنید. شما مردم با کرامت و صابری هستید. اسم «دارالصابرین»ی که امروز من چند بار شنیدم و در برخی از نوشته‌های مقابل خودم می‌بینم، خیلی مناسب است. حقیقتاً در مصیبت به این بزرگی، شما صبر و استقامت کردید
- دل مصیبت‌ها را باید شکافت و از دل آنها برکات الهی را استخراج کرد. با دید دیگری به مصیبت‌ها نگاه کنیم تا بلایای طبیعی را رحمت خدا ببینیم. این تلفات عظیم و این مرگ و نابودی که در چنین حوادثی برای شهر و جامعه‌ی پیش می‌آید، با همه‌ی تلخی، اگر بتواند روح توکل، ارتباط با خدا، روح تلاش، عبرت‌گیری و به فکر آینده بودن را در ما زنده کند، نعمت خواهد شد.

بم باید به توفیق الهی، به همت مسؤولان و با همین برنامه‌ریزی‌یی که عرض کردیم - که برنامه‌ریزی خوب و قابل قبول و به نظر ما جامع‌الاطراف است - در مدت زمانی که برادران مسؤول ذکو کرده‌اند، ان‌شاءالله به صورت یک شهر با استحکام و زیبا ساخته شود. شماها هم باید تلاش کنید. مسؤولان باید به وعده‌های خودشان عمل کنند. اگر قرار بوده وام بدهند و یا

تسهیلات در اختیار بگذارند، اینها را انجام دهند. آحاد مردم باید همت کنند و با دستگاه‌ها همکاری داشته باشند؛ دستگاه‌ها هم به همه‌ی وظایف خود عمل کنند تا از دل این ویرانه‌ها یک شهر زیبا سر برآورد و مظهر عزم و اراده و ذوق و سلیقه و برآورنده‌ی نیازهای شما باشد. البته کارهایی که باید انجام بگیرد و نیازهایی که مجموعه‌ی این شهرستان دارد، در جای خود محفوظ است.

ما در عرصه‌های مختلفی در صحنه‌ی آزمون نگاه مردم دنیا هستیم. و من به شما عرض بکنم؛ در ماجرای بم، ملت ایران و مسؤولان دلسوز از سوی مراکز جهانی تحسین شدند. ملتی که تلفات سنگین وارد شده بر خود را تحمل می‌کند و با روحیه‌ی خوب و عزم راسخ در میدان انقلاب و عرصه‌ی حرکت و تلاش در جمهوری اسلامی با استقامت تمام می‌ایستد؛ هم به زبان می‌آورد و هم در عمل آن را اثبات می‌کند، مورد تحسین همه‌ی ناظران بین‌المللی قرار می‌گیرد، و قرار گرفت. درست است که بسیاری از کشورها و مراکز بین‌المللی به وعده‌های خود عمل نکردند - که این را مسؤولان دولتی گزارش کردند و گفتند اینها به بسیاری از وعده‌های خود عمل نکردند - ولی ما روی پای خود ایستادیم. تحسین قلبی آنها نسبت به عزم و اراده‌ی مردم و مدیریت خوبی که در این قضایا انجام گرفت، قطعی است.

بنده از سابق به بم علاقه داشتم. قبل از انقلاب، وقتی می‌خواستیم از جیرفت برگردم، آمدم چند روزی در بم ماندم و با مردم بم آشنا شدم. بعد از انقلاب موفق نشدم به بم بیایم. خیلی مایل بودم بیایم و با شما مردم مواجه شوم؛ ولی متأسفانه تا قبل از زلزله این توفیق به دست نیامد. یکی از دوستان قدیمی ما در بم، بار اولی که پس از وقوع زلزله به بم آمدم، جلوی من آمد و گریست؛ گفت دل‌مان می‌خواست تو به بم بیایی؛ اما نه در چنین شرایط و اوضاع و احوالی. بنده هم مایل بودم وقتی به بم بیایم که این شهر را شاد و پُرنشاط و فارغ از حوادث طبیعی و بدون مصیبت ببینم؛ اما متأسفانه نشد. در عین حال خدای متعال را شاکرم که در شهر شما نشاط و شادابی را در چهره‌ها می‌بینم، که در سفرهای قبل ندیده بودم. جوان‌ها و زن‌ها و مردها بانشاطند. در خیابان‌های شهر، در اردوگاه‌ها و محل‌های اسکان موقت، هر جا رفتیم، احساس کردیم در چهره‌ی مردم شادابی و نشاط هست؛ خدا را از این بابت شکر می‌کنیم.

از خدا می‌خواهیم توفیق دهد تا بار دیگر بتوانیم به شهر شما بیاییم و آن روز شما را در اوج نشاط و سلامت و خشنودی از پیشرفت کارهایتان ببینیم و شهر نوی بم را که به دست شماها ساخته شده، ان شاءالله آن روز مشاهده کنیم. از این دیدار بسیار خوشحالم. از شما تشکر می‌کنم و عذرخواهی هم می‌کنم که در آفتاب گرم مدتی منتظر بودید و عرایض ما را شنیدید .

پروردگارا! به محمد و آل محمد لطف و فضل و رحمت و برکت خود را بر مردم این شهر نازل کن . پروردگارا ! به مسؤولان توفیق خدمتگزاری کامل به این مردم عزیز و نجیب را عنایت کن. پروردگارا! مصایبی که بر این مردم وارد شده است، با لطف و رحمتِ مضاعف خود جبران بفرما . خدایا ! ما را قدردان این مردم قرار بده .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته